یک خانواده ۴ نفره در سال ۱۴۰۴ چگونه امرار معاش می‌کند؟

زیستن یا زندگی کردن مسئله این است!

■ در شرایط اقتصادی کنونی کشورمان، افزایش قیمت‌ها و نوسانات اقتصادی متعدد، اهمیت توجه به هزینه‌های خانوار را دو چندان کرده است.

گروه اقتصادی – بررسی هزینه و درآمد خانوار (بودجه خانوار)، برای اولین بار در سال ۱۳۱٤ توسط بانک ملی ایران انجام شده و هدف اصلی این بررسی، به دست آوردن ضرایب مصرف برای محاسبه شاخص هزینه زندگی بوده است.

توجه به وضعیت هزینه‌های خانوار در ایران بیش از ۹۰ سال قدمت دارد. ایجاد تعادل بین درآمد و هزینه‌های خانوار یکی از اهداف مهم دولت‌ها بوده است و یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های ایجاد رضایت از زندگی است.

خانواده‌های ایرانی نیاز دارند تا هزینه‌های خود را به دقت مدیریت کنند تا از بروز مشکلات مالی آتی جلوگیری کنند.

به نظر می‌رسد در حال حاضر خانواده‌های ایرانی برنامه‌ریزی های مالی خود را روی موضوعات کوتاه‌مدت جاری برنامه‌ریزی می‌کنند و کمتر دیدگاه‌های بلند مدت مانند خرید مسکن را در برنامه‌های خود جای می‌دهند.

اهمیت بررسی هزینه‌ها

هدف این گزارش تحلیل و بررسی هزینه‌های ماهیانه یک خانواده ایرانی برای شناسایی، دسته‌بندی هزینه‌ها برای بهینه‌سازی مدیریت مالی خانواده ایرانی است.

وضعیت هزینه‌های خانواده ایرانی در حال حاضر چگونه است؟

مسکن با سهم ٤٢.٢ درصدی بیشترین سهم از هزینه ماهانه خانوار ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد. افرادی که صاحبخانه هستند در وضعیت بهتری قرار دارند، اما مستأجران و افرادی که با وام خانه‌دار شده‌اند، در برنامه‌ریزی های خود با فشارهای مالی بیشتری رو به رو هستند.

خرید خوراکی و هزینه‌های خورد و خوراک ۲۵ درصد هزینه‌های ماهیانه خانوار ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد.

بهداشت و درمان و حمل‌ونقل و ارتباطات به ترتیب با سهم ۹ درصد و هشت درصد در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد. سهم لوازم، اثاث و خدمات همراه با هزینه پوشاک و کفش تقریباً معادل سه درصد است.

زیستن یا زندگی کردن مسئله این است

بر اساس این گزارش، هزینه‌های معمول یک خانواده شامل موارد ذیل است؛

هزینه‌های مسکن
اجاره یا هزینه اقساطی (خرید خانه)
هزینه‌های آب، برق، گاز و اینترنت
هزینه‌های خوراک
مواد غذایی
اقلام غیر خوراکی (نظیر پاک‌کننده‌ها و محصولات بهداشتی)
هزینه‌های حمل و نقل
سوخت
هزینه‌های مربوط به حمل و نقل عمومی
هزینه‌های سلامت
دارو و درمان
بیمه‌های درمانی
هزینه‌های آموزشی
مدارس و دانشگاه‌ها
هزینه‌های فوق‌برنامه
هزینه‌های تفریح و سرگرمی
سینما، رستوران، سفر
هزینه‌های دیگر
موارد غیر قابل پیش‌بینی

تغذیه یکی از مهمترین موضوعات دخیل در سلامت و رشد جسمی اعضای خانواده است. مراکز علمی برجسته کشور از جمله انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی و دانشکده علوم تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تهران، الگویی تحت عنوان «سبد غذایی بهینه» طراحی کرده‌اند که ترکیبی استاندارد از گروه‌های غذایی ضروری برای تأمین نیازهای روزانه بدن ارائه می‌دهد.

با استفاده از جداول و استخراج لیست قیمت‌های وقت مواد غذایی نگاه دقیقی به هزینه‌های این بخش شده است.

مقایسه میزان افزایش هزینه‌های خوراک یک خانواده چهار نفره در سال ۱٤۰۳ و سال ۱٤۰٤

در بررسی بین لیست سال ۱٤۰۳ و سال ۱٤۰٤ حدود ٦۲/٥ درصد افزایش در هزینه‌ها مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است جدول ذیل برنامه سبد غذایی بهینه خانوار است و می‌تواند تفاوت‌هایی با سفره غذایی فعلی خانوارهای ایرانی داشته باشد.

بررسی ترکیب هزینه‌های ماهانه خانوار ایرانی نیز نشان می‌دهد که مسکن با سهم ٤۲.۲ درصدی بیشترین سهم از هزینه ماهانه خانوار ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان افراد دارای منزل مسکونی شخصی از آسایش بیشتری برخوردار هستند و در تأمین هزینه‌های زندگی در شرایط بهتری قرار دارند.

حداقل مبلغ حقوق سال ۱٤۰٤ در مجموع ۱٤۸,۱۲۰,٦٤۸ ریال است که از مجموع ارقام ذیل به دست آمده است:

-پایه حقوق: ۱۰۳,۹۰۹,٦۸۰ ریال ماهانه.
-بن کارگری: ۲۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال ماهانه.
-حق مسکن: ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال ماهانه.
-حق اولاد (برای هر فرزند): ۱۰,۳۹۰,۹٦۸ ریال ماهانه.
-حق سنوات (برای کارگران با سابقه): ۲,۸۲۰,۰۰۰ ریال ماهانه.

با کسر ٤۲.۲ درصد از کل مبلغ دریافتی یک کارگر در سال ۱٤۰٤ بابت مسکن، مبلغ ۸٥,٦۱۳,۷۳٤ ریال از آن باقی می‌ماند که باید به سایر هزینه‌ها از جمله هزینه خوراک اختصاص پیدا کند.

در بررسی دیگر بر اساس آمار، خرید خوراکی و هزینه‌های خورد و خوراک ۲٥ درصد هزینه‌های ماهیانه خانوار ایرانی را به خود اختصاص می‌دهد.

با مبنا قراردادن مبلغ کل حقوق دریافتی و محاسبه ۲٥ درصد از ان به عدد ۳۷,۰۳۰,۱٦۲ ریال رو به رو می‌شویم که در مقایسه با عدد لازم جهت تهیه سبد غذایی بهینه بر اساس نظر انستیتو تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی و دانشکده علوم تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تهران تفاوت فاحشی دارد.

این فاصله چگونه پر می‌شود؟

این فاصله با رنج پر می‌شود. تنگدستی تأثیرات گسترده‌ای بر زندگی فرد و جامعه دارد. در ابعاد مختلف زندگی، از جمله سلامتی جسمی و روانی، روابط اجتماعی، تحصیلات و فرصت‌ها، تنگدستی باعث ایجاد چالش‌ها و مشکلات زیادی می‌شود.

تنگدستی در بعد روانی باعث استرس و اضطراب، ادراک منفی از خود و اختلال روانی شده و در بعد اجتماعی خود تأثیراتی همچون کاهش ارتباط خانوادگی و اجتماعی، کاهش فرصت پیشرفت در زندگی و فرسایش اعتماد به نفس می‌شود.

به طور کلی تنگدستی موضوعی پیچیده است که تأثیرات زیادی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد.

وضعیت شغلی بر اساس آمارها چگونه است؟

۱۷ درصد خانواده‌های ایرانی پارسال درآمد خود را از محل مشاغل آزاد کسب کرده‌اند. حدود ۳۰ درصد کارمند و مزدبگیر بوده‌اند و ٥۳ درصد درآمدهای غیرشغلی داشته‌اند. درآمد غیرشغلی شامل چیزهایی مثل حقوق بازنشستگی (۳۰ درصد) و اجاره‌بهای مسکن شخصی (٤۲ درصد) می‌شود.

دسترسی خانواده‌های ایرانی به سایر امکانات زندگی

بررسی خانوارهای ایرانی نشان می‌دهد در سال گذشته ۹۹.٦ درصد خانواده‌ها به آب لوله‌کشی دسترسی داشته‌اند؛ ۱۰۰ مردم برق داشته‌اند و ۹٦.۷ درصد هم از گاز شهری بهره می‌برده‌اند.

٦٦.۱ درصد مردم به سیستم فاضلاب شهری دسترسی دارند؛ ۹۹.٤ درصد خانه‌آشپزخانه و ۹۹.۹ درصد حمام دارند. ضریب دسترسی به اینترنت هم ۸۷ درصد است و ۸٦.۸ درصد افراد در شبکه‌های اجتماعی حاضرند.

٥٦.٤ درصد خانواده‌های ایرانی خودروی شخصی و ۱۷.۲ درصد موتورسیکلت دارند در ۹۸.۹ درصد خانه‌ها تلویزیون و ۳٥.۳ درصد دستگاه رایانه قرار دارد.

ضریب نفوذ وسایل رفاه خانواده‌ها

بر اساس این گزارش، بررسی ضریب نفوذ وسایل رفاه خانواده‌های ایرانی نیز نتایج زیر را نشان می‌دهد؛

-یخچال و فریزی ۹۹.۸ درصد
-اجاق گاز ۹۹.۹ درصد
-جاروبرقی ۹٥.۷ درصد
-ماشین لباسشویی ۹۲.٦ درصد
-تلفن همراه ۹۹.۲ درصد

لازم است مسئولین مربوطه با بررسی آمارها و همچنین پایش‌های اجتماعی لازم نسبت به شناسایی کاستی‌ها و همچنین اتخاذ راهکارهای مؤثر و فوری، اقدام به بهبود وضع موجود نمایند.

حق‌شناس اقتصاددان مطرح کرد:

انتظار از وزیر اقتصاد برای حل مشکلات بزرگ اقتصاد ایران

گروه اقتصادی – یک اقتصاددان با بیان اینکه اقتصاد ایران تب دارد و این تب همان تورم است گفت: تورم به عنوان ام‌المسائل باعث ایجاد ناترازی و به‌هم‌ریختگی ساختارهای پولی، مالیاتی، مدیریتی و بازرگانی شده که وزیر اقتصاد در این زمینه‌ها نقش راهبری دارد.

هادی حق‌شناس درباره انتظارات از وزیر آینده امور اقتصادی و دارایی اظهار کرد: قبل از اینکه به موضوع انتظارات از وزیر آینده اقتصاد بپردازیم باید بپرسیم مشکل فعلی اقتصاد ایران چیست؟ به نظر من اصلی‌ترین مشکل اقتصادی ایران حداقل از سال ۱۳۹۷ به بعد، تورم است. قبل از آن میانگین تورم در اقتصاد ایران حدود ۱۸ درصد بوده ولی در هفت سال گذشته این عدد به نزدیک ٤۰ درصد رسیده است.

وی افزود: همین آمار اردیبهشت ۱٤۰٤ نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه به عدد ۳۸.۷ درصد رسیده در حالی که هدف‌گیری بانک مرکزی تورم ۳۰ درصد بود. تورم ماهیانه اردیبهشت نیز ۳.۹ درصد اعلام شد در حالی که هدف دستیابی به رقم ۲.۲ درصد بوده است.

این اقتصاددان با بیان اینکه تورم مساله اساسی در اقتصاد ایران است و نباید این موضوع را فراموش کنیم گفت: اگر امروز باناترازی در برق و انرژی و حمل ونقل عمومی، مشکل نانوایان، دستمزد کارگران مواجهیم علتش آن است که مرتبا قدرت خرید مردم کم می‌شود. سوال این است که چرا قدرت خرید مردم کم می‌شود؟ جواب این است که اقتصاد تب دارد، تورم دارد. همان کاری که تب با جسم آدم انجام می‌دهد تورم با جسم اقتصاد انجام می‌دهد.

حق‌شناس تصریح کرد: وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس شورای پول و اعتبار است. وزیر اقتصاد نظارت عالی بر سازمان مالیاتی، گمرک، بیمه و بانک دارد. بنابراین سیاست‌گذار مالیاتی، بیمه‌ای، گمرکی و بانکی است. وزیر اقتصاد می‌تواند لیدر اقتصاد شود.

مردم به دلیل تورم اقدام به خرید دلار و طلا می‌کنند

وی ادامه داد: وزیر اقتصاد تنها کسی است که در مقابل مجلس از طرف دولت پاسخگو است. سازمان برنامه یا رئیس بانک مرکزی در مقابل مجلس پاسخگو نیستند زیرا توسط مجلس انتخاب نمی‌شوند. لذا وزارت اقتصاد به معنی واقعی می‌تواند سکان‌دار اقتصاد ایران باشد.

وی با بیان اینکه اقتصاد ایران مسائل زیادی دارد اما ام‌المسائل ایران تورم است تاکید کرد: اگر وزیر اقتصاد، تورم یا تب اقتصاد ایران را به عنوان یک راهبرد در کار خود قرار دهد و این تب را کنترل کند گام بسیار مهمی برای فعالیت اقتصاد در شرایط عادی برمی‌دارد. اگر امروز مردم سراغ خرید ارز، طلا، خودرو یا مسکن به عنوان پناهگاه می‌روند تا ارزش پول آنها کم نشود به دلیل تورم است. اگر تورم در ایران تک رقمی شود دیگر مردم صبح نمی‌پرسند امروز سکه بخریم، یا دلار یا خودرو بخریم.

حق‌شناس تصریح کرد: انتظار از وزیر اقتصاد آن این است که تورم را تک رقمی کند. این به معنی آن نیست که ما مشکلات دیگری نداریم اما تورم همانند یک سرطان در اقتصاد است و تا زمانی که این مساله حل نشود در بحث جذب سرمایه‌گذاری، ساخت مسکن، اتمام پروژه‌های نیمه‌کاره، کسری بودجه، قاچاق کالا و ارز و دیگر مشکلات حل نخواهد شد. اگر تورم به صورت ریشه‌ای و ساختاری حل نشود حل مسائل دیگر به شکل پروژه‌ای خواهد بود. در صورتی که اقتصاد یک فرآیند است و نباید پروژه‌ای دیده شود.

اقتصاد ایران حداقل باید به اندازه ترکیه یا عربستان باشد

این اقتصاددان خاطرنشان کرد: واقعیت آن است که تحریم‌های ظالمانه به اقتصاد ایران فشار آورده است. بازرگانی خارجی کشور ما حدود ۱۳۰ میلیارد دلار است که در اندازه اقتصاد ایران نیست. اندازه اقتصاد ایران حداقل به اندازه ترکیه یا عربستان است؛ در حالی که تولید ناخالص داخلی این کشورها تقریبا دو برابر ایران است. یک بخشی از این مساله به این‌که برمی‌گردد که در صادرات و واردات کالاها در ایران اختلال ایجاد شده است. از سال ۱۳۹۷ به این طرف دچار اختلال در بخش تجاری کشور شده‌ایم. وقتی تولید انجام می‌شود اما امکان صادرات وجود ندارد این یک اختلال است.

وی با بیان اینکه تحریمها باعث شده تا در صنعت برق دچار مساله شویم، گفت: وقتی بنگاه اقتصادی به دلیل ناترازی انرژی دچار مساله می‌شود طبیعی است که اقتصاد در رنج می‌ماند. بنابراین بخشی از مسائل ما به عوامل بیرونی و بخشی هم به تصمیمات اشتباه داخلی مربوط است. به هر دلیل ما در داخل کشور تصمیمات به‌موقع اتخاذ نکردیم. البته از آغاز دولت چهاردهم در این حدود ۹ ماه گذشته یک همگرایی و فضای مثبتی بین قوا، دستگاهها، ارگان‌ها و نهادها در حمایت از بخش‌های اقتصادی ایجاد شده که باید آن را به فال نیک بگیریم.

اراده‌ای در سطوح عالی نظام برای حل مسائل شکل گرفته است

حق شناس با اشاره به دیدار روز گذشته استانداران با رییس قوه قضاییه گفت: رئیس قوه گفت من حاضرم اختیارات خود را به استانداران بدهم تا مساله تولید در استان‌ها حل شود. این نشان می‌دهد که یک اراده در سطوح عالی نظام شکل گرفته تا مساله حل شود. بخشی از مشکلات در همین بروکراسی اداری و ساختاری اداری است. مثلا سال گذشته در بودجه پیش‌بینی شد که قیمت آرد و گندم یا نرخ بیمه‌ها گران شود. طبیعی است که قیمت نان هم باید گران شود. نان یک مساله روزمره است. همین مساله را می‌توانیم در صنعت مرغداری یا روغن یا سایر محصولات کشاورزی هم مثال بزنیم. پس تصمیمات به‌هنگام نگرفتن مساله ایجاد می‌کند.

به گفته حق‌شناس، اتخاذ تصمیم درست در زمان درست در اقصاد بسیار مهم است. در غیر این صورت نتیجه می‌شود تورم، بیکاری، ناترازی، رکود، نیمه فعال بودن بنگاه‌های اقتصادی و دیگر مسائل که باید یک اراده در بالاترین سطوح آن را حل کند.

این اقتصاددان درباره راهکار کاهش تورم بیان کرد: برای کاهش راه حل تورم وجود دارد اما شاید در کوتاه مدت تحملش سخت باشد. مثل این است که یک نفر اضافه وزن دارد به او بگوییم اگر می‌خواهی امراض خود را درمان کنی باید رژیم بگیری. بنابراین باید در ابتدا کمتر غذا بخورد. آیا به کسانی که رژیم می‌گیرند خوش می‌گذرد، حتما خوش نمی‌گذرد. اقتصاد ایران هم باید رژیم بگیرد. البته این به معنی سختی بر مردم نیست. در تمام شش برنامه پنج ساله گذشته قرار بود از ۸ واحد رشد اقتصادی یک سوم آن متاثر از بهره‌وری باشد. سال گذشته و سال جاری قرار بود ۳.٥ واحد از رشد اقتصادی از بهره‌وری باشد. یعنی با امکانات موجود، افزایش تولید اتفاق بیفتد ولی این هدف محقق نشد. زیرا ساختارهای پولی، مالی، مالیاتی، مدیریتی و بازرگانی معیوب است. رفع این ایراد مثل این است که به یک آدم چاق بگوییم رژیم بگیر تا لاغر شوی. کار سختی است اما امکان‌پذیر است.

وزیر اقتصاد تا ۱۲ خرداد به مجلس معرفی می‌شود

بنابراین گزارش، پس از استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی در روز ۱۲ اسفند ۱٤۰۳ این وزارتخانه از آن زمان تا کنون با سرپرستی رحمت‌الله اکرمی، اداره شده است. طبق قانون، رئیس جمهور از ۱۲ اسفند سه ماه زمان داشته تا وزیر پیشنهادی جدید را به مجلس معرفی کند که این مهلت ۱۲ خرداد به اتمام می‌رسد. در روزهای اخیر الیاس حضرتی ـ رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت – اعلام کرد که وزیر اقتصاد پس از ششم خرداد، انتخابات هیات رئیسه مجلس معرفی می‌شود.

هزینه‌های پنهان اتلاف منابع؛ از جیب مردم تا سرمایه ملی

گروه اقتصادی – اتلاف گسترده انرژی و بازده پایین در مصرف نهایی، هر سال میلیاردها دلار هزینه به کشور تحمیل می‌کند و آینده اقتصادی و زیست‌محیطی ایران را با تهدیدی جدی روبه‌رو ساخته است.

در حالی که ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی جهان شناخته می‌شود، سال‌هاست با پدیده‌ای شگرف اما کمتر دیده‌شده دست و پنجه نرم می‌کند: اتلاف بی‌رویه انرژی و راندمان پایین در نقطه مصرف نهایی. این شاخص مهم، مدت‌هاست تبدیل به نقطه ضعفی پنهان اما حیاتی در سیاست و اقتصاد ایران شده است. واقعیتی که نه فقط برق و گاز را هدر می‌دهد، بلکه رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و محیط زیست کشور را تهدید می‌کند.

در ظاهر، انرژی زیادی در کشور تولید می‌شود و شبکه گسترده انتقال آن را به شهروندان و صنایع می‌رساند، اما در واقعیت بخش قابل توجهی از این انرژی در ساختمان‌های ناکارآمد، تجهیزات قدیمی، خودروهای پرمصرف و صنایع غیراستاندارد به هدر می‌رود؛ بی‌آنکه ارزش افزوده‌ای برای جامعه ایجاد کند یا کمکی به معیشت مردم باشد. چنین اتلافی، به معنای هدر دادن ثروت ملی، افزایش انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی و همچنین کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد است.

چهره‌های متعدد اتلاف؛ از خانه تا کارخانه، از شهر تا جاده

بر اساس گزارش‌های رسمی، شدت مصرف انرژی در ایران (یعنی میزان مصرف انرژی برای تولید هر واحد تولید ناخالص داخلی) بیش از دو برابر میانگین جهانی است. اگر جهان برای تولید یک دلار، ۰.۲ کیلوگرم نفت مصرف می‌کند، رقم مشابه برای ایران حدود ۰.٤٥ تا ۰.٥ کیلوگرم است. در بخش خانگی، سهم عمده گاز برای گرمایش و برق برای سرمایش به دلیل ساختمان‌های عموماً غیراستاندارد و مصرف‌گرایی بی‌ملاحظه عملاً هدر می‌رود. در بخش صنعت، ماشین‌آلات قدیمی و فرآیندهای ناکارآمد، برق و گاز را به آسانی می‌سوزانند و راندمان را پایین می‌آورند.

همچنین بخش حمل و نقل، با خودروهای غیر بهینه و گسترش بی‌حساب آن، سهم بزرگی در اتلاف انرژی دارد. آمارها نشان می‌دهد که خودروهای ایرانی تا دو برابر حالت استاندارد جهانی سوخت مصرف می‌کنند و سیستم حمل و نقل عمومی نیز از فناوری‌های روز جهان فاصله زیادی دارد. در کنار همه اینها، قیمت انرژی پایین، یارانه بدون هدف و نبود سیاست‌های راهبردی، فرهنگ مصرف را به گونه‌ای شکل داده که انگیزه‌ای برای بهینه‌سازی وجود ندارد.

چرا این روند تداوم یافته است؟

در تحلیل ریشه‌های این بحران، چند عامل بنیادین بیش از دیگر موارد خودنمایی می‌کند که قیمت‌گذاری غیرواقعی و نظام یارانه‌ای عامل نخست است؛ یارانه‌های کلان انرژی، عملاً مصرف بی‌رویه در خانه، صنعت و حمل و نقل را تشویق کرده‌اند. وقتی انرژی ارزان باشد، هیچ‌کس نگران خاموش بودن لامپ‌ها، هدررفت گرمایش یا کارکرد بی‌وقفه کولر نیست. این سیاست علاوه‌بر هزینه‌های بالای بودجه‌ای برای دولت، فرهنگ اتلاف و غفلت را نهادینه کرده است.

همچنین مورد بعدی ضعف جدی استانداردهای ساخت و تجهیزات است؛ زیرا اکثر ساختمان‌های کشور بدون عایق حرارتی مناسب ساخته شده‌اند و تجهیزات سرمایش و گرمایش موجود عمدتاً مصرف انرژی بالایی دارند. در صنعت، نوسازی به کندی پیش می‌رود و بسیاری از واحدها همچنان از فناوری‌های دهه شصت و هفتاد خورشیدی بهره می‌برند. در حمل و نقل نیز ضعف استاندارد خودروهای تولیدی و نبود معاینه فنی جدی، عملاً خودروها را به کانون اتلاف بدل کرده است.

مورد دیگر فرسودگی فناوری و کندی نوسازی است؛ تجهیزات خانگی، صنعتی و حمل و نقل در اغلب موارد قدیمی‌اند. سهم ورود فناوری‌های نوین و کم‌مصرف، به دلیل مشکلات واردات، تحریم‌ها و موانع داخلی، بسیار پایین و روند جایگزینی نیز نامناسب است.

همچنین نبود سیاست‌های انگیزشی هدفمند از دیگر عوامل است؛ به جز جریمه‌های نه چندان مؤثر برای پرمصرف‌ها و مشوق‌های ضعیف برای مقاوم‌سازی ساختمان‌ها یا جایگزینی فناوری‌های پرمصرف، عملاً سیاست مؤثری که باعث تغییر رفتار مصرف‌کننده شود، اجرا نشده است.

باید به ضعف نظارت، کنترل و پایش هوشمند نیز به عنوان عامل بعدی اشاره کرد؛ زیرا نبود سامانه‌های هوشمند مانیتورینگ مصرف، باعث می‌شود هیچ‌یک از مصرف‌کنندگان (خانگی، تجاری یا صنعتی) تصویر دقیقی از میزان مصرف خود یا منشأ هدررفت نداشته باشند. کنتورهای هوشمند در مقیاس ملی نصب نشده‌اند و مصرف‌کننده تا قبض آخر ماه، هیچ ایده‌ای از وضعیت خود ندارد.

تشریح عمق بحران و ضرورت ورود سریع به مسیر اصلاح

فرزاد آذری، استاد دانشگاه و کارشناس بهینه‌سازی انرژی، ضمن تحلیل دلایل این معضل، هشدار می‌دهد که ادامه این مسیر می‌تواند چالش‌های جبران‌ناپذیری رقم بزند.

به گفته وی، حفره اصلی اکنون سرمایه اجتماعی کشور را تهدید می‌کند؛ عادت به مصرف بی‌حساب انرژی نه فقط منابع کشور را تحلیل می‌برد، بلکه فرصت‌های توسعه پایدار را از نسل‌های آینده می‌گیرد. او تأکید می‌کند: شدت مصرف انرژی در ایران، نشانه شکاف عمیق میان بهره‌وری و فرهنگ مصرف است. این شکاف تا آنجا عمیق شده که حتی در صورت چهار برابر شدن قیمت جهانی نفت یا کاهش مصرف کشورهای رقیب، فشار اتلاف بر اقتصاد خانوارهای ایرانی همچنان پابرجا خواهد ماند.

آذری معتقد است که نبود دستگاه سیاست‌گذار مقتدر و هماهنگ، عامل اصلی ناکامی در مقابله با بحران اتلاف بوده است نبود دستگاه سیاست‌گذار مقتدر و هماهنگ، عامل اصلی ناکامی در مقابله با بحران اتلاف بوده است؛ سال‌ها وعده تجهیز ساختمان‌ها به عایق‌بندی واقعی، تشویق به تعویض تجهیزات پرمصرف و حمایت از نوآوری در پنجره باقی مانده است. کسی حاضر نشده ساختار یارانه‌ها را اصلاح کند؛ چون تبعات اجتماعی و فشار سیاسی دارد. اما باید پذیرفت که امروز هزینه نکردن برای اصلاح، چیزی جز اتلاف عظیم ثروت ملی و عقب‌ماندگی طولانی‌مدت نخواهد بود.

او همچنین می‌گوید: در بسیاری کشورها، صرفه‌جویی ابتدا فرهنگی‌ست. جامعه باید بیاموزد که صرفه‌جویی به معنی فقر یا محرومیت نیست، بلکه نشانه مشارکت جمعی برای آینده‌ای پایدار است. این آموزش می‌بایست از مدارس، رسانه، و حتی سیاست‌های تعرفه‌ای آغاز شود. اما در ایران، هنوز صرفه‌جویی یک مطالبه جدی اجتماعی نیست. برای همین صنایع نیز علاقه‌ای به ارتقا فناوری یا مدیریت انرژی ندارند و سیاست‌گذار نیز هراسی از اجرای قوانین اثربخش ندارد.

هزینه‌های واقعی اتلاف انرژی؛ از جیب مردم تا سرمایه ملی

آذری تصریح می‌کند اتلاف بی‌رویه انرژی تنها یک بحث انتزاعی یا تئوری نیست. برآوردها نشان می‌دهد کشور سالانه معادل ده‌ها میلیارد دلار انرژی را بدون هیچ بازده اقتصادی، زیست‌محیطی یا اجتماعی از دست می‌دهد. این رقم معادل بودجه سالانه برخی وزارتخانه‌های کلیدی یا حتی درآمد نفتی سالیانه کشور است.

وی خاطرنشان می‌کند: از سویی دیگر، همین اتلاف خالص، به بار تورمی در بازار کالاها و خدمات دامن می‌زند. وقتی صنایع با هزینه بالا و راندمان پایین تولید می‌کنند، بخشی از این زیان ناگزیر در قیمت نهایی کالاها منعکس می‌شود. همچنین اتلاف انرژی، هزینه خدمات دولتی هر سال را بالاتر برده و وابستگی به ارز و واردات سوخت را افزایش داده است.

به گفته آذری اما شاید فاجعه‌آمیزترین پیامد اتلاف انرژی، تأثیرات زیست‌محیطی آن باشد؛ مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی و برق، به تولید آلاینده‌های عظیم منجر می‌شود؛ بحران ریزگردها و کاهش کیفیت هوای کلان‌شهرها تنها یک جلوه از این پیامدهای سوء است. از سوی دیگر، هدررفت آب در نیروگاه‌های بخاری که راندمان پایینی دارند، تهدید جدی برای منابع آبی کشور است.

مصادیق عینی اتلاف: بیان آمار و واقعیت‌های روزمره

از مجموع بیش از ۱۳ میلیون مشترک خانگی گاز، کمتر از ۱٥ درصد واحدهای مسکونی، عایق حرارتی مؤثر دارند.

بیش از ٦۰ درصد مصرف سالانه برق بخش خانگی و تجاری صرف گرمایش و سرمایش می‌شود، در حالی که با اصلاح تجهیزات و عایق‌بندی می‌توان این عدد را تا ٤۰ درصد کاهش داد.

صنعت سیمان، فولاد و پتروشیمی ایران، بین ۲۰ تا ٤۰ درصد بیش از استاندارد جهانی انرژی مصرف می‌کنند.

نرخ اتلاف انرژی در سامانه‌های قدیمی حمل و نقل عمومی تا ٥۰ درصد ظرفیت است.

چگونه جهان بر بحران اتلاف انرژی فائق آمد؟

در اروپا و شرق آسیا، بهینه‌سازی مصرف و افزایش بازده نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی بوده است. کشورهای چین، آلمان و ژاپن، با برنامه جامع تعویض تجهیزات، ایجاد مشوق‌های مالی برای ساختمان‌های کم‌مصرف و فرهنگ‌سازی گسترده، موفق به کاهش بیش از ۳۰ درصدی شدت مصرف انرژی ظرف دو دهه شدند. سامانه‌های هوشمند مانیتورینگ، تعرفه‌های پلکانی انگیزشی، حمایت از ساخت تجهیزات بهینه و جریمه پرمصرف‌ها، نقش کلیدی در این موفقیت داشته است.

راهکارهای کلیدی برای عبور از بحران؛ نظر و تحلیل متخصصان

آذری تاکید می‌کند که راه اصلاح چند شاخه دارد که می‌توان به شرح زیر دسته بندی کرد؛

۱. تنظیم واقعی قیمت انرژی با حمایت از دهک‌های آسیب‌پذیر؛ افزایش تدریجی قیمت انرژی برای اقشار پرمصرف و حمایت جبرانی برای کم‌درآمدها، راهکار آزموده شده جهانی برای کنترل اتلاف است.

۲. الزام عایق‌بندی و ارتقا ساختمان‌های قدیمی؛ تعیین استانداردهای الزام‌آور برای ساخت و نوسازی، هوشمندسازی کنتورهای مصرف و اعطای تسهیلات برای عایق‌سازی و جایگزینی تجهیزات کم‌بازده.

۳. مشوق‌های مالی برای ارتقا فناورانه صنایع و حمل و نقل؛ کاهش تعرفه‌های واردات تجهیزات کم‌مصرف، اعطای تسهیلات بانکی و معافیت مالیاتی برای صنایع و حمل و نقل که فناوری خود را مدرن کنند.

٤. فرهنگ‌سازی جامع و آموزش همگانی؛ برنامه‌های آموزشی همگانی از مدارس تا رسانه‌ها با محور «انرژی سرمایه ملی است» و گسترش «برچسب‌های مصرف» برای کالاها.

٥. ایجاد سامانه ملی پایش هوشمند انرژی؛ الزام نصب کنتورهای هوشمند در سه سال و برقراری سامانه مانیتورینگ عمومی برای اطلاع‌رسانی و هشدار به مردم و صنعت.

٦. تقویت نقش شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور؛ حمایت از استارتاپ‌های حوزه بهینه‌سازی انرژی، توسعه تجهیزات بومی و ایجاد اکوسیستم نوآوری در بخش مصرف.

۷. تدوین برنامه الزام‌آور برای صنایع پرمصرف؛ وضع قوانین سخت‌گیرانه برای شرکت‌های پرمصرف و الزام به ارائه گزارش‌های سالانه مصرف و برنامه‌های کاهش اتلاف.

ضرورت عبور از عادت اتلاف به طلوع بهره‌وری ملی

بحران اتلاف انرژی و بازده پایین در بخش مصرف نهایی، امروز دیگر چالشی صرفاً اقتصادی یا مدیریتی نیست؛ موضوع، امنیت انرژی، آینده رفاهی و زیست‌محیطی کشور را هدف گرفته است. اگرچه چشم‌انداز رفع این معضل ساده نیست و نیاز به عزم، سرمایه و تحول فرهنگی دارد، اما گذر جهان از این بحران نشان می‌دهد که راه اصلاح باز است.

ایران، با منابع عظیم انرژی و ظرفیت ویژه انسانی و فناورانه، می‌تواند طی دهه آینده الگویی نوین برای بهره‌وری انرژی در منطقه شود. اما این موفقیت، آغازی دارد: یک تصمیم شجاعانه و یک سیاست جامع برای عبور از عادت اتلاف و حرکت به سوی طلوع بهره‌وری ملی.

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰